

آن را با حروف لاتینی در پایان آورده است. در حال، آقای وال قصد داشت ترجمه‌ی کاملی از فردوسی را به چاپ رساند و به سال ۱۸۱۶ در جلد پنجم چهره‌های مشرق^۵ زمین خبر آن را داد و جز نمونه‌ای از آن به شعر سفید که متن یادداشت‌هایی هم به دنبال داشت چاپ نشد.

آقای هامر در ۱۸۱۸ تاریخ شعر فارسی خود را چاپ کرد و در آن هفت خوان اسفندیار و قطعه‌ی سهراب را به شعر آلمانی درآورد. وی پیش از آن، دو قطعه‌ی دیگر از فردوسی را، که یکی ماجرای خسرو و شیرین و دیگری داستان‌های سام و زال را دارد، به چاپ رسانیده بود. (همان کتاب، جلد سوم).

دو سالی در همین سال متن ترجمه‌ی سفر برزویه به هند^۶ را چاپ کرد. در ۱۸۲۰ اثر آقای گوئر^۷ در دو جلد در برلین از چاپ در آمد. این خلاصه‌ی بسیار مشروحی از شاهنامه و تنها کاری است که امروز هم آن کتاب را به درستی می‌شناساند. بدیهی است می‌توان با نظریه‌هایی که در دیباچه آورده است موافقت نداشت و از جزء جزء ترجمه خرده گرفت، ولی باید پذیرفت که آن چه او از شاهنامه نقل کرده به احساس دلکش شعر حماسی آمیخته است.

آقای راس^۸، که بیش‌تر به اسم مستعار "گلچین" معروف است، طرح ترجمه‌ی کامل شاهنامه را با افزودن متن فارسی آن ریخته بود ولی جز چند قطعه‌ای از آن به چاپ نرسید^۹.

من در ۱۸۲۹ در جزوه کوچکی به نام کتابتی چند از آیین زرتشت، پاریس. چند قطعه مربوط به زندگی گشتاسپ را منتشر کردم که بعدها با باقی مانده این اثر کوچک به زبان آلمانی بیرون آمد^{۱۰}.

پس از همه‌ی اهمتامی که برای چاپ و ترجمه‌ی شاهنامه شد،

از سوی دیگر کمپانی هند از سال‌ها پیش دستور داده بود که متن کامل شاهنامه‌ی فردوسی چاپ شود. م. لومسدن^۱، که در آن هنگام استاد زبان‌های عربی و فارسی در دبیرستان فور-ویلیام بود، به انجام دادن این کار گماشته شد. وی دبیرخانه‌ای از منشیان ترتیب داد که بیست و هفت نسخه را در آنجا مقابله کردند، نخستین و تنها جلدی که بیرون آمد این عنوان را داشت: شاهنامه، رشته‌ای از منظومه‌های رزمی تاریخ باستانی ایران، اثر ابوالقاسم فردوسی طوسی نامبردار، در هشت جلد^۲. جلد اول، کلکته، ۱۸۱۱، قطع دو ورقی. چاپ این نسخه درست است، منتها متن آن از نظر انتقادی پاسخگویی انتظاری نیست که از ناشری به آن دانشمندی و آن همه زمینه‌سازی‌های قابل ملاحظه انتظار می‌رفته است، زیرا با آن که چندین نسخه را با هم مقابله کرده‌اند، متن نسخه‌ای را پایه کار گرفته‌اند که در قرن هفدهم نوشته شده و لومسدن از مرحوم سرجان ملکم به عاریت گرفته بوده است. من دبیرزمانی این دست‌نویس را زیر دست داشتیم، رونویس کننده، آن چه از دستش برآمده کتاب را از شعر تل انبار کرده است. شرقیان از این متن خرده‌هایی گیرند و من تردیدی ندارم که منشیان دبیرخانه آن قدر که از رأی و نظر لومسدن پیروی کرده‌اند، از پی نوق و سلیقه‌ی خویش نرفته‌اند، زیرا که چندان فرصتی برای بازنگری در نوشته‌ی خود نداشته‌اند. این چاپ دنبال نشد، ولی رونویسی که برای جلد دوم آماده شده بود به کار اتکینسون در چاپ "سهراب" خورد. نام این کتاب چنین است: چکامه‌ی سهراب، ترجمه‌ی آزاد از متن فارسی فردوسی به اهتمام جیمز اتکینسون، کلکته، ۱۸۱۴، به قطع وزیری^۳.

سال بعد در لندن کتاب کوچکی از چاپ در آمد به نام: ماجرای چند از شاهنامه‌ی فردوسی به نثر انگلیسی، ترجمه‌ی استفن وستون، ۱۸۱۵، قطع وزیری^۴. این کتاب چند قطعه بیش ندارد که متن

- 1) Lumsden
- 2) The Schah-namu, being a series of heroic poems on the ancient history of Persia, by the celebrated Abool-Kausim-I Ferdousee of Toos, in eight volumes.
- 3) Soohrab a poem, freely translated from the original Persian of Firdosee, by James Atkinson, Calcutta, 1814.
- 4) Episodes of the Schah-nameh of Ferdosee, translated into English verse by Stephen Weston, 1815.

۵) جلد پنجم، صفحه‌های « Mines de l' Orient » ۱۰۹ و ۲۲۳ و ۲۵۱
 ۶) جلد نهم، صفحه‌ی « Extraits et Notice » ۱۴۰ و ۱۵۲.

- 7) Goerres, das Heldenbuch von Iran.
- 8) Ross
- 9) Annals of Oriental Literature, London, 1820.
- 10) Fragmente uber die Religion des Zoroaster von Vullers.



فردوسی سال سوم مرداد و شهریور ۱۳۲۳

عاقبت در ۱۸۲۹ متن کامل شاهنامه از چاپ بیرون آمد.^{۱۱}

این شاهنامه دارای مقدمه‌ای است به زبان انگلیسی که ناشر در آن از کار خود و زندگی فردوسی اطلاع می‌دهد. سپس سرآغاز فارسی آمده است که در آن بخش بزرگی از دیباچه‌ی شماره یک را با اندیشه‌های خود در هم آمیخته و سپس متن کامل شاهنامه را به چاپ رسانیده است. و افزوده پایان کتاب مرکب است از داستان‌ها و روایت‌های الحاقی که از شاهنامه نیست؛ و کتاب با فرهنگ لغاتی که بالاتر به آن اشاره کردم به آخر می‌رسد. ناشر هر آن چه را در متن لومسدن بوده، بی‌هیچ تغییری، به چاپ رسانیده است، با این همه با ستاره، قسمت‌های قابل تردید را معلوم داشته است. باقی کتاب عبارت است از نخستین بررسی انتقادی متن شاهنامه که به وسیله‌ی یک نفر اروپایی صورت گرفته است و او همان ماکان است. او بیش از هر کس برای انجام دادن این مهم مناسب بود، زیرا فارسی را به کمال می‌دانست و بیش‌تر عمرش را در بهترین جامعه‌ی اسلامی ایالت‌های شمالی هند سپری کرده بود. افسوس که بیماری چشم به وی اجازه نداد که از میان نسخه‌های چندگونه گلچینی به چاپ رساند، و چنان که به من گفته بود، دست به کار برگردانیدن شاهنامه به زبان انگلیسی شود.

اتکینسون به سال ۱۸۲۲ در لندن کتابی به نام شاهنامه اثر شاعر ایرانی فردوسی ترجمه‌ی نثر و شعر به دست

جیمز اتکینسون^{۱۲} منتشر کرد. این جز ترجمه‌ای از همان خلاصه‌ی توکل بک نیست و مانند همان به مرگ اسکندر کبیر تمام می‌شود. و کتاب با ترجمه‌ی تازه‌ای از

داستان سهراب پایان می‌یابد.

سرانجام فولرس در ۱۸۳۳ مجموعه‌ای از بخش‌های شاهنامه را در بن به چاپ رسانید^{۱۳} که متن همان قسمت‌هایی بود که پیش‌تر به وسیله‌ی ویلکن، وال، سیلوستر دوساسی چاپ شده بود با گونه‌های دیگر شعر و فرهنگی بر آن افزوده بود.

* * *

پس از برشماری جمله‌ی کارهایی که تاکنون روی شاهنامه انجام گرفته، یا بهتر بگویم آنچه به اطلاع من رسیده است، باید کلمه‌ای چند درباره نسخه‌ای که به چاپ آن آغاز کرده‌ام گفته شود. من از دست نویس‌های بسیاری بهره‌ور شده‌ام. کتاب‌خانه‌ی سلطنتی پاریس هشت نسخه‌ی خطی دارد که من همواره از آن‌ها استفاده کرده‌ام. در کتاب‌خانه‌ی کمپانی هند، در لندن، به سیزده دست نویس مراجعه کرده‌ام که پاره‌ای از آن‌ها متعلق به کتاب‌خانه‌ی تیپو صاحب بوده است. قسمت‌های بسیاری از این نسخه‌ها را وارد این متن کرده‌ام. ناگزیرم خشنودی خود را از همه‌ی گشادگی‌ها، که از رهگذار این گنجینه‌ی شکوهمند در کارم پدید آمده است، و نیز از مهربانی مرحوم سر. ش. ویلیکینز^{۱۴} که در آن زمان دارنده کتاب‌خانه بود، ابراز دارم. مرحوم سر جان ملکم در حق من این نیکویی را کرد که دو نسخه‌ی خطی خود را به من امانت داد. یکی از آن‌ها همان بود که پایه‌ی نسخه‌ی کلکته قرار گرفته بود و دیگری از آن کتاب‌خانه‌ی نادرشاه بود. مرحوم سرهنگ بایی^{۱۵} و سرگریوز. ش. هوتون^{۱۶} نیز بر من منت گذاشتند و نسخه‌های خود را به من سپردند. آقای

سرهنگ دوئل^{۱۷} زیباترین دست‌نویس‌های شاهنامه را که من به عمرم دیده‌ام به من امانت داد. این نسخه‌ی پرشکوه از کتاب‌خانه‌ی پادشاهی دهلی به دست آمده است و همه‌ی امپراتوران هند، از بابر، فاتح هند تا شاه عالم، مهر خود را بر آن زده‌اند. سرهنگ که آهنگ جامایکا کرده بود، آن را به جامعه‌ی آسیایی لندن داد و این جامعه با فرستادن آن به پاریس، بنا به پیشنهاد لرد مونسستر^{۱۸} و سرگریوز هوتون، مرامفتخر کرد. امیدوارم این اجازه را بدهند که این جادو پیشگاه عموم از ایشان

سپاس بگذارم. مرحوم دکتر نیکول در آکسفورد با خون گرمی عادی خود راه کتاب‌خانه‌ی بادی^{۱۹} را به روی من گشود. در این جا دست‌نویسی از شاهنامه جای دارد که یک نفر پارسی رونویس کرده است و از این رو بسیار جالب است. باری من پنج نسخه از این اثر دارم که یکی مورد استفاده در چاپ شاهنامه بوده است، و یکی که بسیار کهنه است از این جهت بسیار قابل ملاحظه است که نمونه‌ی برجسته‌ای است برای نشان دادن حالتی که شاهنامه، پیش از تجدیدنظری که به فرمان بایسنفرخان صورت گرفته، داشته است. فهرست همه‌ی دست‌نویس‌هایی را که تاکنون مورد استفاده من بوده، یا بعد به آن‌ها رجوع کرده‌ام، در آغاز "برگزیده‌ی نسخه‌ی بدل‌ها" که در افزوده پایان کتاب می‌آورم، خواهید دید. **کسانی که دست‌نویس‌های شاهنامه را با هم برابر نکرده‌اند** به آسانی در نخواهند یافت که اختلاف نسخه‌ها تا به کجاست.

این‌ها را به سه دسته‌ی اصلی می‌توان قسمت کرد: ۱. الحاقی‌های بزرگ از منظومه‌های حماسی. ۲. ردیف‌های شعری که هیچ چیز به داستان نمی‌افزاید و کار خواننده بارونویس‌کننده‌ای دانشمند است که به خود اجازه داده با اطناب خود منظومه را گسترش دهد. ۳. تصرفاتی که رونویس‌کننده در جای‌گزین کردن چند کلمه از یک شعر یا سراسر یک بیت به عمل آورده است؛ چه از روی سهل‌انگاری، چه برای تصحیح متن، و چه جانشین کردن مفهومی تازه به جای کلمه‌ی کهنه‌ای که به گوش سنگین می‌آمده است. شناخت دسته‌ی اول از همه آسان‌تر است، ولی

(۱۱) منظور چاپ «شاهنامه» به زبان فارسی است که همان نسخه‌ی ماکان است.

11) The shah-nameh an heroic poem by Abool-Kasim Ferdousi, published by Turner Macan.

کلکته، در چهار جلد، ۸ ورقی. - م

12) The Shah-nameh of the Persian poet Ferdousi, Translated and abridged in prose and verse by James Atkinson.

13) Chrestomathia schahnamiana.

14) Sir Ch. Wilkins

15) Baillie

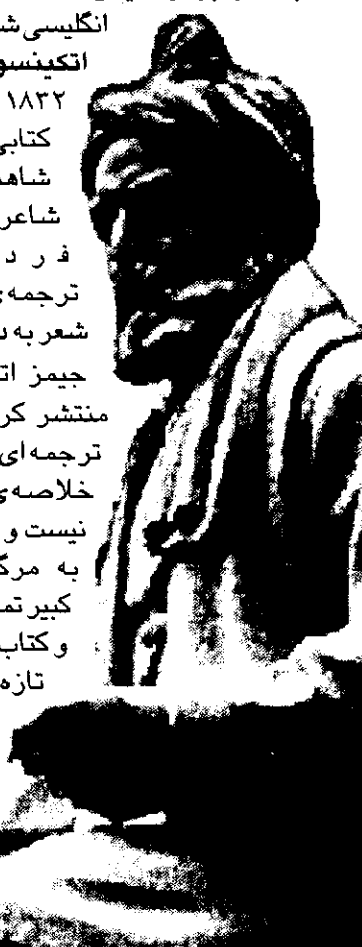
16) Sir Graves Ch. Houghton

17) Doyle

18) Lord Munster

(۱۹) Sir Thomas Bodley، دیپلمات انگلیسی،

۱۶۱۳ - ۱۵۴۵. بنیانگذار کتابخانه‌ی آکسفورد. - م



شناخت دو دسته‌ی دیگر بسیار دشوار است. در آن جا که عبارت‌ها از روی شماره و اعتبار دست‌نویس‌هایی که آن‌ها را ضبط کرده‌اند موازنه پیدا کنند، یا در آن جا که مفهوم‌ها و عبارت‌ها همه ریشه‌ی کهن خود را باز نمایند، من بارها دچار تردید شده‌ام. ولی آن تفاوت‌ها که در افزوده خواهد آمد به خواننده امکان می‌دهد که صورتی را که من اصل گرفته‌ام بازرسی کند. از این گذشته "چندگونگی بی‌پایان این مدرک‌ها نباید مایه‌ی این شبهه شود که به دست دادن یک متن پاکیزه و اصیل امکان ندارد."^{۲۰} زیرا گذشته از قسمت‌های الحاقی عمده‌ای که در منظومه‌ها پیدا می‌شود، و اصل آن‌ها هم معلوم است و در نتیجه نمی‌توانند هیچ اشکال جدی بر سر راه باشند، هیچ یک از این تفاوت‌ها در سیر داستان اندک تأثیری ندارند و اغلب جز مکررگویی و جابه‌جاشدن شعرها یا نشانیدن کلمات عربی به جای واژه‌های از کار افتاده فارسی چیز دیگری نیستند. در اغلب دست‌نویس‌های کهن معمولاً، تطابق کافی برای یک تصمیم انتقادی پیدا می‌شود. من کوشیدم که دست‌نویس‌ها را از روی خانواده آن‌ها دسته‌بندی کنم، همان کاری که در زمینه‌ی عهد جدید و پاندکت‌ها^{۲۱} با چنان توفیق بزرگی روبه‌رو شد. و این همان شیوه‌ای است که شلگل^{۲۲} به تازگی برای رامایانا^{۲۳} به کار برد. ولی من کامیاب نشدم به طوری که ناچار شدم در هر مورد از روی مقام، سبک، معنا و شماره و عمر دست‌نویس‌ها پیش بروم.

من اهتمام ورزیده‌ام تا آن جا که برایم امکان داشته است شعرها را لفظ به لفظ ترجمه کنم، بی آن که به قاعده‌های زبان فرانسه

آسیبی رسانم، ولی خواه ناخواه این مرز چندان روشن نیست و این جبر پیش آمده است که امتیازی چندگاه به زبان اصلی داده شود تا معانی را درست برسانم و گاه به زبان ترجمه امتیاز دهم. من همواره اراده داشته‌ام که معنای درست را بر لطف بیان ترجیح دهم. هر جا ناگزیر شده‌ام که برای کامل شدن معنی یک جمله کلمه‌ای از خود بیفزایم. آن را با حروف خوابیده آورده‌ام. من کتاب را با "افزوده" بسیار مهمی پایان خواهم داد که باید این پنج نکته را در برگرد:

- ۱- برگزیدن اختلاف‌های عمده؛
- ۲- یادداشت و توضیح عبارت‌هایی که لازم است؛
- ۳- تجزیه و تحلیل دیگر منظومه‌های حماسی فارسی تا خواننده بتواند مسیر همه‌ی روایت و داستانی را که فردوسی آورده است سراسر دنبال کند؛
- ۴- چند قطعه‌ای که از کتاب‌های نوشته شده به دست پارسیان است و مایه‌ی روایت‌هایی شده‌اند که با داستان‌های شاهنامه مطابقت دارند؛
- ۵- یادداشتی درباره ارزش تاریخی این داستان‌ها.

من قصد داشتم یادداشت تاریخی و تجزیه و تحلیل منظومه‌ها را در پیش‌گفتار و اختلاف‌های نسخه بدل‌ها و شرح آن‌ها را در پاورقی جای دهم، ولی به سبب تأخیری که این اضافه‌های مهم در چاپ متن و ترجمه‌ی اثری به این عظمت پدید می‌آورد، از تصمیم خود منصرف شدم و تردید ندارم که خواننده، چاپ هر چه زودتر شاهنامه را بر همه‌ی تفسیرهایی که برای آخر می‌گذارم ترجیح می‌دهد. هنوز یک وظیفه برایم باقی مانده است که باید انجام دهم و آن ابراز سپاس مندی از آقای لوبرن مدیر چاپ‌خانه‌ی پادشاهی است که اهتمام و پشتکار ایشان همه‌ی مشکل‌هایی را که در طبیعت کار بزرگی چون "مجموعه‌ی شرقی" نهفته است از سر راه برداشت و دریافت که چه گونه باید امکان‌های پر دامنه‌ی بنگاهی را که به وی سپرده شده است در راه پیشرفت دانش به کار انداخت.

پایان پیش‌گفتار شاهنامه چاپ ژول مول

ادامه دارد

(۲۰) تکیه روی جمله از مترجم است. - م.

(۲۱) «Pandectes»، مجموعه‌ی احکام حقوق رومی که به فرمان ژوستینین امپراتور روم تدوین شد. - م.

(۲۲) سرگذشت رامانا، حماسه‌ی هندی. نگاه کنید به: «دایرة المعارف فارسی» صفحه‌ی ۱۰۶۴ - م.